

درس اول

«آفریدگار زیبایی»

آموختنی‌ها

- ۱. تفکر و تأمل در مورد نشانه‌های قدرت خداوند و زیبایی‌های طبیعت
- ۲. مهارت شکرگزاری و پاسداری از آفریده‌های خدا
- ۳. طبقه‌بندی واژگان ذهنی با درک رابطه بین آن‌ها
- ۴. جمع کردن انواع کلمات



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

تاب نیاوردند: تحمل نکردند

رَمه: گَلمه.....

ضخیم: کلفت.....

نیلی: رنگ آبی تیره. کبود رنگ

چیره دست: ماهر

معرفت: شناخت خداوند

دریغ: اندک.....

پذیرفت: قبول کرد.....

نظاره کنند: نگاه کنند.....

مزارع: مزرعه‌ها

براق: بسیار درخشان

خبر داغ: خبر تازه

پراکند: پخش کرد

مهاجر: مسافر

پهنه: میدان، سطح

جهان افروز: روشن کننده‌ی جهان

دل انگیز: مطلوب

غوک: قورباغه

برکه: آبگیر

ایجاد کردن: پدید آوردن

آویخت: آویزان شد.....

قشر: لایه. پوسته.....

افکند: پرت کرد. انداخت

داوری: قضاوت کرد.....

ارغوانی: رنگ تمشک یا بنفش

انبوه: زیاد

جلا دادن: شفاف و پاکیزه کردن

گلگون: سرخ رنگ.....

سراغ: دنباله. پی پیچی رفتن

زینت داد: آراست. تزیین کرد

نہان: پنهان، مخفی
صبحگاہ: هنگام صبح

ناپدید ⇌ آشکار
سفید ⇌ سیاہ
سنگین ⇌ سبک
سؤال ⇌ جواب
نیکی ⇌ بدی
تیرہ ⇌ روشن
نازک ⇌ ضخیم
براق ⇌ کدر
دشوار ⇌ آسان

مزارع، مزرعہ، زراعت
نقش، نقاش، نقشہ
ہوشیار، ہوش، باہوش
نخست، نخستین
زینت، تزیین
پہن، پہنہ، پہناور
زیبا، زیبائی، زینت
منظرہ، نظر، ناظر
انتظار، منتظر
قشر، اقشار
تصمیم، مَصْمَم

کردگار: آفرینندہ، خداوند
دمی: لحظہ‌ای

جوی: بیاب، پیدا کن

کلمات متضاد

ہست ⇌ نیست
آہستہ ⇌ سریع
روشنایی ⇌ تاریکی
شروع ⇌ پایان
زیبا ⇌ زشت
گرم ⇌ سرد
متصل ⇌ جدا
نہان ⇌ آشکار
بہتر ⇌ بدتر

کلمات ہم خانوادہ

صبح، صبحگاہ، صبحانہ
جوی، جویندہ
روشن، روشنایی
بقیہ، باقی، باقیماندہ
ہنرمند، ہنرنامی، ہنر
طبیعت، طبع، طبیعی
سطح، مسطح، سطوح
اثر، تأثیر، آثار
معرفت، عرفان، معروف
تصویر، تصاویر، صورت
مہاجر، ہجرت، مہاجرت

دانش آموزان عزیز خداوند را نمی توان به صورت مستقیم دید ولی نشانه هایش را در تمام جهان و با دیدن طبیعت و همه موجودات می توان حس کرد. تغییر فصل ها، تولد انسان، تبدیل شب و روز و ... همگی نشانه های قدرت خداوند هستند.

این درس مسابقه ی نقاشی بین چهار هنرمند طبیعت (فصل ها) است.

آن ها تصمیم می گیرند که هر کس بهتر نقاشی کند، بماند و بقیه بروند. هنرمندان دست به قلم می شوند و با کشیدن تصاویری از خود در این مسابقه شرکت می کنند و خورشید جهان افروز را به داوری انتخاب می کنند. هر کدام از این فصل ها زیبایی های مخصوص خود را به تصویر می کشند و داوری بین آن ها بسیار دشوار می شود. سرانجام خورشید تصمیم می گیرد که هر چهار هنرمند بمانند و به نوبت نقاشی کنند و زیبایی های شگفت انگیز خود را به جهان نشان دهند.

نقاش همه ی این زیبایی ها همان آفریدگار هستی است که همه چیز را به درستی در جای خود قرار داده است و ما با دیدن و تفکر در پدیده ها به وجود خالق آن ها پی می بریم و به قول سعدی:

«برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هر ورقش دفترى است معرفت کردگار»

معنی شعر: انسان دانا با دیدن یک برگ از درختان، خداوند را بهتر و بیشتر خواهد شناخت.

بخوان و بدان

طبقه بندی واژگان

برنا: در حالی که سر از روی کتاب برمی داشت گفت: «درنا، درنا یافتم!!»

درنا: چه خبر است؟! حالا چه چیزی کشف کردی؟!

برنا: به این کلمه ها توجه کن: «کبوتر، عقاب، گنجشک ...» به نظر تو چه ارتباطی بین این کلمات است؟

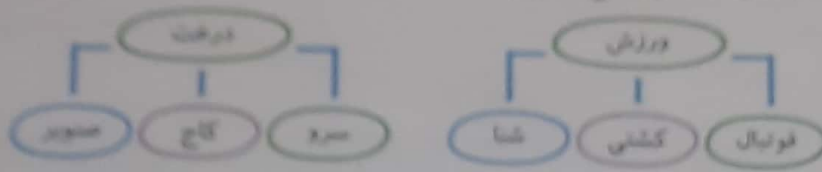
درنا: صبر کن فکر کنم آهان! یادم آمد تمام آن موارد «پرنده» هستند.

درنا: حالا تو خودت بگو این کلمه ها در چه گروهی قرار می گیرند؟ لاله، سنبل، میخک ...

برنا: خوب معلوم است، تمام کلمات این گروه «گل» هستند.

برنا: بنابراین ما می توانیم یک نتیجه بگیریم، کلماتی که با هم ارتباط دارند را در یک گروه قرار بدیم.

مرد ← آن - درختان
جمع (ها) - دانشها
۳ - اطفال
۴ - گلبرگ - زراعت - اطفال
ورزش (فوتبال، کشتی، شنا) - درخت (سرود، کاج، صنوبر)



اسم مفرد و جمع

به کلمه‌ای که با آن انسان، حیوان و اشیا را نام می‌بریم «اسم» می‌گوییم.

مثال: برنا، فیل، کتاب

حالا اگر اسم برای یک انسان، یک حیوان و شیء باشد به آن مفرد می‌گوییم.

ولی اگر اسم برای چند انسان، چند حیوان یا چند شیء باشد به آن جمع می‌گوییم.

★ در فارسی از «ها» و «ان» برای جمع کردن استفاده می‌کنیم و به کلمه مفرد اضافه می‌کنیم.

مثال: کفش + ها ← کفش‌ها مرد + ان ← مردان

★ هر گاه نشانه‌های صدا دار (آ-ا-ه-ه-ی-ی-و) خواستند کنار هم بیایند، برای جمع بستن، حتماً حرفی در بین این نشانه‌ها قرار می‌گیرد که به آن حرف «میانجی» می‌گویند.

مثال: دانا + ان ← دانایان هنرجو + ان ← هنرجویان

★ بعضی از کلمات از زبان عربی وارد زبان فارسی شده‌اند، برای جمع بستن این کلمات از نشانه (ات) استفاده می‌کنیم.

مثال: حشره + ات ← حشرات تغییر + ات ← تغییرات

★ برای جمع بستن بعضی کلمات نشانه خاصی وجود ندارد که به آن‌ها جمع‌های مکسر می‌گویند.

مثال: مدرسه ← مدارس طفل ← اطفال

بیشتر بدانیم

درنا: برنا بین ابر چه گریه‌ای می‌کند!

برنا: مگر ابر هم گریه می‌کند؟

درنا: ابر نمی‌تواند مثل ما گریه کند. ولی ما از زبان او می‌گوییم که مثل ما کاری انجام داده، یعنی جان گرفته، می‌از

معلم یاد گرفتم؛ شاعران و نویسندگان برای زیباتر شدن شعر یا نوشته و یا بهتر رساندن منظور از خاصیت جان

بخشی در اجزا استفاده می‌کنند؛ یعنی حالت زنده یک انسان را به یک گیاه یا یک موجود غیر زنده نسبت دهند.

مثال: برگ بی‌حوصله شد، سبزه خیساره کشید

درس دوم

«کوچ پرستوها»

آموختنی‌ها

- ۱. آشنایی با یکی از شگفتی‌های طبیعت
- ۲. تقویت مهارت گوش دادن و حافظه شنیداری
- ۳. کاربرد علامت نگارشی و تأثیر در معنی
- ۴. آشنایی با مفهوم ضرب‌النحل



جمع‌بندی کلمات

کلمات مترادف

اوایل: ابتدا	پیمودن: طی کردن	شگفت زده: متعجب
جامه‌ی: لباس	نهاده است: قرار داده است	زمان رفت
عهده: وظیفه	پیشین: گذشته، قبلی، مربوط به گذشته به سر برده‌اند: گذرانده‌اند	فرصت: مهربانی
جنب و جوش: هیجان	قرقی: نوعی پرندگی شکالی	راه و رسم: روش
معتدل: آب و هوایی که نه گرم است نه سرد	لطیف: ملایم	آغاز: شروع
دشواری: سختی، زحمت، مشکل	سپری شد: به پایان رسید، به اتمام می‌ریزند	می‌ریزند: می‌ریزند
کمیاب: آنچه کم است، چیزی که به راحتی در دسترس نیست	دل نشین: زیبا و قشنگ، جذاب	راه‌یابی: یافتن راه
ناچار: ناگزیر	آسیب: زیان	طفلی: کلمه‌ای برای بیان دلسوزی به کسی
بیابند: پدید آید	آسودگی: آسایش	کسی
کوچ: مهاجرت	رفته رفته: کم کم	اعتراض کرد: ایراد گرفت
پی‌درپی: پیوسته، پشت سر هم	شگفتی: حیرت، شگفتی	هیجان: شور و شوق

کلمات متضاد

طولانی \neq کوتاه

دانایی \neq نادانی

آغاز \neq پایان

دور \neq نزدیک

اوایل \neq اواخر

جوان \neq پیر

معلوم \neq مجهول

گذشته \neq آینده

کمیاب \neq زیاد

کلمات هم خانواده

جمع، جامع، مجموع، جامعه، جماعت

معلوم، علوم، علم، عالم، معلم، تعلیم

مشغول، شغل، شاغل

طولانی، طول، طویل

اعتدال، معتدل، متعادل

سفر، مسافر، مسافرت

کوچ پرستوها

در این جهان شگفتی‌های فراوانی وجود دارد. یکی از این شگفتی‌ها و نشانه‌های قدرت و توانایی خداوند در نحوه زندگی پرستوها است.

پرستوها همانند مردم عشایر کشور عزیزمان، در فصل سرما به مکان‌هایی که دارای آب و هوای معتدل‌تری باشد کوچ می‌کنند که بتوانند راحت‌تر زندگی کنند و غذای بیشتری بدست آورند. این پرندگان دوست داشتنی و زیبا در اوایل بهار، پس از سپری شدن زمانی دراز و پیسودن راه طولانی و بدون این که اشتباه کنند دوباره به لانه پیشین خود بازمی‌گردند. اگر آسیب دیده باشند آن‌ها را درست می‌کنند و اگر لانه‌ها خراب شده باشند از نو می‌سازند.

به راستی چه کسی آموزش ساختن لانه و قدرت راهیابی و پیسودن این راه طولانی را به پرستوها داده است؟ خرا این همه شگفتی و زیبایی و دانایی را چه کسی جز خدای مهربان در پرستوهای کوچک نهاده است؟ خرا آیا شگفتی‌های دیگری هم در هستی هست؟ بله